

واعظ غیر متعظ در مقاله

پخش مطلب بدون بررسی، شرکت در شایعه سازی است

امیرفیض- حقوقدان

مقاله مفیدی از سوی جاوید ایران نوشته آقای امیرحسین لادن منتشر شده است که با اجازه ایشان و بر عایت اختصار، در این تحریر، از نام ایشان با عنوان واعظ یاد خواهد شد.

مضمون مقاله واعظ محترم مبتنی بر این توجه است که باید نسبت به مسائل و نوشته های درفیس بوک و ایمیل تحقیق کرد و استفاده و پخش آن، بدون بررسی، شرکت در شایعه سازی است.

و مهمتر اینکه:

ایشان در مقاله مزبور چند جا به عدم علاقه ایرانیان به کتاب و مطالعه و تحقیق اشاره درست کرده اند و بعد، این موضوع را بمیان آورده اند که چرا پس از گذشت دو قرن تلاشها برای بیداری و آگاهی ایرانیان تاثیر قابل توجهی نداشته است و بدون اینکه منتظر پاسخ سوالشان بشوند خودشان اینگونه پاسخ چرا را داده اند.

چرا پاسخ رامیتوان در رژیم های استبدادی که همواره سدی بازدارنده در برابر تغییر و تحول بوده اند یافت در استبداد، فردپرستی بجای وطن پرستی، منافع شخصی بجای منافع اجتماعی و دروغ و ظاهر سازی و..... و در نتیجه، یادگیری و آموزش مقامی و الاومکانی ارزشمند در این دیار نداشته است <

(از ردیفهای ۵ تا ۸ مقاله ایشان)

مقاله مزبور که علت بی علاقه بودن ایرانیان به فرهنگ و خواندن و تحقیق کردن را ناشی از رژیم های استبدادی دانست مرا متوجه ساخت با آنکه واعظ محترم و عظ مفصلی درباره لزوم تحقیق و خودداری از نقل موضوعات نادرست کرده اند ولی متأسفانه خودشان در همین مقاله نتوانسته اند توصیه های خودشان را بکار ببندند.

و اما بعد

سن سیمون جامعه شناس معروف فرانسوی (۱۷۶۰-۱۸۲۵) گفته است < هر نظام اجتماعی نوعی کاربرد فلسفی است >

مفهوم کلی بیان آن جامعه شناس این است که؛ نظم اجتماعی حاکم بر جامعه ای، متوقف بر فلسفه ای است که بر آن جامعه حکومت کرده و میکند. و یابا عبارت دیگر کیفیت رفتاری و باوری و فرهنگی هر جامعه در رابطه مستقیم با اعتقادی دارد که بر آن جامعه حکم فرماست.

نهر و قائد هندوستان گفته است:

«مذاهب و بنیان گذاران آنها در تاریخ جهان نقش بزرگی اجرا کرده اند. اغلب در تاریخ میبینیم که مذهب هر چند برای تکامل ما و بهتر ساختن ما و نجیبانه تر شدن رفتار ما بوده است ولی عملاً مردم را بصورت حیوانات در آورده است. بجای اینکه در مردم روشن بینی به وجود آورد، اغلب آنان را در تیرگی نگاه داشته است، بجای اینکه وسعت ذهن و فکر در آنها ایجاد کند، اغلب موجب تنگ نظری و کوتاه نظری و تحمل نکردن دیگران شده است»

هائری مندراس جامعه شناس فرانسوی عقیده دارد:

«حرفها و خواستههای مردم اهمیت ندارد، عقیده حاکم بر جامعه مهم است».

شهود مزبور به این تحریر دعوت شدند تا تحریر در بیان این حقیقت، سر بلند باشد که نقش اسلام خاصه مذهب تشیع نقش قاطع و بدون مزاحمت در عقب ماندگی ملت‌های مسلمان داشته است و این عقب ماندگی در تمام شئون جوامع اسلامی شمولی عام بر تمامی پدیده های اجتماعی دارد.

در امرداد سال ۱۳۶۴ رساله ای تحت عنوان «نیروی بازدارنده» از انتشارات سنگر منتشر شد که تاثیر بازدارنگی اسلام را در پدیده های اجتماعی زیر مورد بحث و نقد قرار داده است:

تاثیر نیروی بازدارنده اسلامی در روحیه ملی - در کار و فعالیت - در فقر - در رضایت عمومی - در تسلط بیگانگان - در فرهنگ - در دموکراسی - در امر قضا و عدالت گستر - در تمدن و پیشرفت کشور - در میهن پرستی - در ناسیونالیسم - در مفهوم عدالت و برابری - در ارتش شاهنشاهی، بمناسبت شورش ۵۷ - و در پایان، نقش شاهان پهلوی در مقاومت در مقابل نیروی بازدارنده اسلام به میان آمده و با توضیح کامیابی های دوران شاهنشاهی بر نیروی بازدارنده، رساله پایان یافته است.

در مقدمه آن نوشته شده «این رساله مفتخر به تقدیم است به حضور آنانی که ارجگذار خدمات شاهنشاه ایران، محمد رضاشاه پهلوی آریامهر هستند و به ایرانیانی که به آزادی حقیقی ملت می اندیشند و جستجوگری پر تلاش برای عظمت ایران و سعادت و ترقی ملت میباشند، تا درد رابشناسند و به درمان آن برخیزند».

در آن رساله بخشی به تاثیر اسلام در فرهنگ ایرانی و تبدیل آن به فرهنگ اسلامی اختصاص داده شده است که انتقال تمامی آن به این تحریر کاردشواری، لاقلاً برای بنده است که قدرت بینائی لازم را برای استفاده از نوشته های نسبتاً ریز رساله را ندارد.

رساله مزبور برای عموم مشترکین سنگر آن زمان برایگان ارسال و نسخه ای هم در کتابخانه از جمله کتابخانه کنگره قسمت خاورمیانه آن موجود است.

فرهنگ کتابخوانی

نکته برجسته در لایحه واعظ محترم گلایه از این است که ایرانیان فرهنگ کتابخوانی ندارند.

بنابراین تعاریف وابسته به فرهنگ، باور و اعتقاد حاکم بر جامعه ایرانی تشکیل دهنده فرهنگ جامعه است.

ایرانیان با قبول اسلام فرهنگ ملی خودشان را با فرهنگ اسلامی به قهر و غلبه عوض کرده اند.

خصوصیات فرهنگ ایرانی و یاف فرهنگ ملی تحول و تکامل و همزیستی با فرهنگهای دیگر است ولی فرهنگ اسلامی دگم، ثابت و تحول ناپذیر میباشد.

فرهنگ اسلامی بر سه رکن و یا عنصر، قابل تعریف کردن است:

عنصر اول - باورهای مربوط به خدا که اصول دین توحید و نبوت و معاد نامیده میشود.

عنصر دوم - ارزشهای خوب و بد است که قرآن آنها را احصاء کرده و ثابت است.

عنصر سوم - رفتار و تکالیف مسلمانان است که قرآن آنها را هم مقید و مقرر ساخته است.

چنانکه می بینید هر سه عنصر فرهنگ اسلامی ثابت و بدون تحول و تکامل تا هزاران هزار سال دیگر همان بوده و خواهد بود.

کتاب خوانی، تحقیق، تتبع و امثال آنها که از تبعات فرهنگ است در فرهنگ اسلامی مفهومی دارد که بکلی با معنای فرهنگ در علم لغت و دنیای متمدن تفاوت دارد.

فرهنگ اسلامی افزایش دانش مسلمانان را فقط انحصاراً در حول و حوش اسلام و مذهب میدانند فرهنگ اسلامی قرآن را جامع جمیع علوم و فنون میدانند و اگر رستگاری و فلاحی برای افراد بشر منظور باشد در همان قرآن یافت میشود و بس. (آیه قران است).

اساساً فرهنگ در قرآن به معنای دین آمده است؛ و این بدان معناست که هر چه زیر سایه دین نیست فرهنگ هم نیست، بغیر از خواندن قرآن و کتاب های شریعتی هر چه خوانده شود اسلامی نیست، عالی ترین مدارج علمی در اسلام تشیع خواندن فقه است که از آداب معاملات و مرگ و ارث و عبادات، امور رختخواب و امثال آنها آموزش دارد، تاریخ اسلام نشان میدهد که هر کس خواست راه تحقیق و تتبع را انتخاب کند سرنوشت این مقفع را یافت.

چگونه میتوان انتظار داشت که در چنین جوامعی که فرهنگ اسلامی حاکم بر رسم و رسوم مردم است کتابخوانی جای توجهی داشته باشد.

این مختصر بدان سبب تصدیع شد که واعظ محترم متوجه شوند که عدم علاقه ایرانیان به خواندن کتاب و تحقیق ارتباطی به حکومت ندارد بلکه ارتباط مستقیم به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه دارد.

واین نقیصه بزرگ وخجلت آور مربوط به ۲۰۰ سال اخیر که واعظ اشاره کرده است نیست بلکه از ابتدای تسلط اسلام برملت ایران بفرهنگ اصیل ایرانی غالب گردیده است.

این توجه نیز تقدیم شدنی است که حکومت در اسلام استبدادی است نه دموکراسی وجود حکومتهای استبدادی درجوامع اسلامی ناشی ازفرهنگ اسلامی و حکم قرآن است؛ ودرجوامع غیراسلامی است که حکومت استبدادی، مبعوث فرهنگ نیست.

با شاید ضعیف، ممکن است درفرصتی اضافی موضوع انتشار اخبار که مورد توصیه واعظ محترم است نیزبوده است باتفاق بحثی به میان آید.